

اردو گاه مخفی

خاطرات خدیو بنات محمد حسن میرزایی
از اردو گاه اسرای عالی تا اردو گاه اسرای ایرانی
بازنویس و تدوین: میثم غلامپور



سرشناسه: میرزایی، محمدحسن، ۱۳۴۶-
 عنوان و نام پدید آور: اردوگاه مخفی: خاطرات خودنوشت دکتر محمدحسن میرزایی از اردوگاه اسرای
 عراقی تا اردوگاه اسرای ایرانی/بازنویسی و تدوین میثم غلامپور؛ با همکاری بنیاد
 شهید شهرستان دماوند.
 مشخصات نشر: تهران: میراث اهل قلم، ۱۴۰۳.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.: مصور.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۸-۸۳-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: خاطرات خودنوشت دکتر محمدحسن میرزایی از اردوگاه اسرای عراقی تا اردوگاه
 اسرای ایرانی.
 موضوع: میرزایی، محمدحسن، ۱۳۴۶- - خاطرات
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - اسیران ایرانی - خاطرات
 Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - Prisoners and prisons, Iranian - Diaries
 اسیران جنگی - ایران - خاطرات
 Prisoners of war - Iran - Diaries
 شناسه افزوده: عامیه میثم، ۱۳۶۴ -
 سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان تهران. اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران
 شهرستان دماوند. اداره بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان دماوند.
 رده بندی کنگره: DS ۶۲۹
 رده بندی دیویی: ۹۲/۴۳۱۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۰۶۵۸

اردوگاه مخفی

خاطرات خودنوشت محمدحسن میرزایی
 بازنویسی و تدوین: میثم غلامپور

[این کتاب با همکاری بنیاد شهید شهرستان دماوند منتشر شد]

طراحی جلد: مهدی نورمحمدی . صفحه آرایی: مصطفی خانوالی
 نوبت چاپ: اول . تابستان ۱۴۰۳ . شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 مرکز پخش: ۰۲۱-۳۳۳۵۵۵۷۷
 شبکه‌های اجتماعی: ۰۹۳۷۰۷۷۰۳۰۳



بنیاد شهید و امور ایثارگران
 شهرستان دماوند

فهرست ■

دییاجه ۹

خاطرات ۱۱

عکس‌ها ۱۳۵

دیباچه

اوایل دهه هفتاد که چند سالی بیشتر از پایان دوران اسارتم نگذشته بود، تصمیم گرفتم خاطراتم از آن دو سال و پیش از آن را ثبت و ضبط کنم. این بود که دست به قلم بردم و شروع به نوشتن کردم و آرام آرام خاطراتم را تا جایی که حافظه‌ام یاری می‌کرد، روی کاغذ آوردم؛ از بزرگ شدنم در زادگاهم رودهن و اعزامم به عنوان سرباز به اردوگاه‌های نگهداری از اسرای عراقی گرفته تا به جبهه رفتنم و اسارت‌م به دست نیروهای دشمن و درنهایت بازگشتم به وطن عزیزم؛ سرزمینی که عاصفان درخش دارم و سربلندی و آبادی و آزادی‌اش آرزوی قلبی و همیشگی‌ام است. بعد از آن هرازگاهی به بهانه‌های مختلف سراغ آن نوشته‌ها می‌رفتم و خاطرات تلخ و شیرین را مرور می‌کردم.

با این همه، هیچ وقت برای چاپ آنها در قالب کتاب اقدامی نکردم اما به پیشنهاد و با تشویق‌های نزدیکانم تصمیم به چاپ این اثر گرفتم و همین جا باید از این عزیزان تشکری ویژه کنم؛ به خصوص از همسر مهربان و صبورم، لیلا نژاددهقان که فداکارانه در همه سختی‌هایی که بعد از دوران اسارت‌م از سر گذراندم، همیشه یار و غم‌خوار من بود و یگانه‌فرزند عزیزم امیر که با آمدنش به زندگی ما برکت آورد و همسر همراه و نازنینش فائزه کاظمی که

همه‌شان همدلانه مشوقان اصلی من برای چاپ این کتاب بودند.

در پی این تصمیم و با صحبت‌هایی که سال گذشته انجام شد، سرکار خانم فاطمه صدیقی، رئیس محترم بنیاد شهید شهرستان دماوند، قدم پیش گذاشتند و بانی این کار شدند. نیت صادقانه و دلسوزانه و پیگیری ایشان، سبب شد با طیب‌خاطر متن را در اختیارشان قرار دهم. با پیشنهاد ایشان و بنا به صحبت و توافقی که شد، کار بازنویسی و تدوین کتاب به جوان دغدغه‌مند، دکتر میثم غلامپور سپرده شد و ایشان هم با وسواس و متعهدانه و هنرمندانه این اثر را به قلم خودش درآورد. از این نظر قدردان هر دوی این عزیزان هستم.

کتاب «اردوگاه مخفی» دراصل ادای دین من است به هم‌زمانم و شمه‌ای است کوچک از جانشینان و پایمردی‌هایی که از آن مردان خدا دیدم؛ نسلی بی‌ریا و خاکی و بی‌تکرار که قلب‌هایشان صاف و چشم‌هایشان پاک بود و نامشان تا همیشه در تاریخ ایران سرزمین ماندگار است.

محمدحسن میرزایی

بهار ۱۴۰۳